عصیان

نشریه

شماره چهارم
بهمن ماه ۱۳۸۹

مرضیه احمدی اسکویی:اینک پیوسته ام به امواج بی پایان

هستی مان تلاش و نیستی مان آسودن است.

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com
facebook:osyan zan

This document was created using SOLIDPDFTools
To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

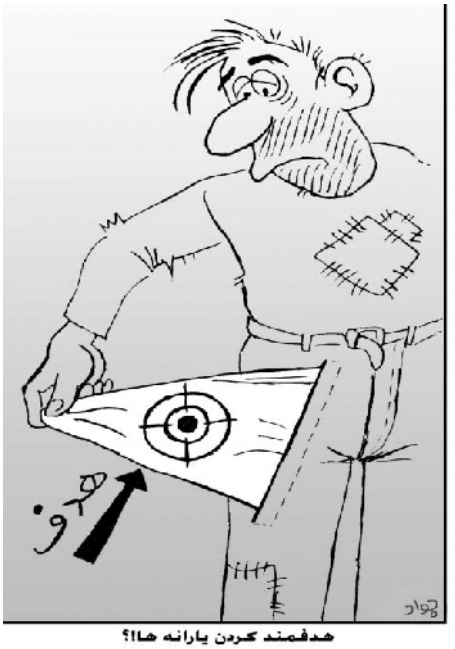

هدفمند کردن یارانه ها!؟

زنان و هدفمند سازی یارانه ها

روشنک مینو

طرح تعدیل ساختاری سالهاست به دستور سازمان های بین المللی و در رأس آنها صندوق بین المللی پول به کشورهای تحت سلطه دیکته می شود و هدف اصلی آن نجات نظام سرمایه داری از ورطه بحران های مالی است که هر چند سال یکبار اقتصاد جهان را در بر می گیرد.

داستان این طرح، برای ایران از زمان دولت رفسنجانی با عنوان "سازندگی"، در دولت خاتمی با **عنوان** "سامان دهی اقتصادی" آغاز گردیده و اکنون به **صورت** "طرح تحول اقتصادی" به اجرا در آمده است.

نکته قابل توجه این است که ادعاهای احمدی نژاد در زمینه طرح هدفمند کردن یارانه ها و نتایج حاصل از آن، با واقعیت های تاریخی و آنچه در جهان به وقوع پیوسته است مغایرت دارد.

طرح تحول اقتصادی در کشورهایی چون شیلی، ترکیه، تونس، مکزیک، کره جنوبی، برزیل، و هند... به اجرا درآمده است و نتایج حاصل از اجرای آن شباهت های زیادی در تمام این کشورها داشته است. مثلا وقتی در دهه ۹۰ میلادی دولت هند در راستای اجرای همین طرح ها پرداخت یارانه به بخش کشاورزی را حذف کرد، نتیجه اش خانه خرابی میلیون ها دهقان بود که به پدیده وحشتناک "خودکشی دسته **جمعی**" دهقانان منجر شد. احمدی نژاد نیز با آگاهی از این مسائل در مصاحبه تلویزیونی که در شب قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، اعلام کرد:

" کاری که دیگران در اجرای آن بخشی از مردم خود را از دست دادند و فقر در جامعه آنان افزوده شد ... "

اما از آنجا که ادعا های دروغین او بر همگان آشکار شده است در جای دیگر می گوید :

"ما می توانیم به نقطه ای برسیم که با یک چهارم مصرف به همین رفاه دست یابیم .... "

سؤال اول این است که آیا مردم در رفاه به سر می برند که بخواهند دست کم در همین حد از رفاه باقی بمانند؟ آمار روز افزون بیکاری، اعتیاد، فحشا، زنان و کودکان خیابانی مربوط به کشور ایران نیست؟

چرا! برخلاف ادعاهای دروغین جمهوری اسلامی، مهمترین پیامدهای این قبیل طرح ها، ورشکستگی بنگاه های تولیدی، بیکارسازی های گسترده و نابودی کشاورزی است. به دنبال آن، اولین اتفاقی که در شهرها رخ می دهد، تعدیل نیروهای کار خواهد بود که اولین قربانیان آن زنان می باشند. در روستا ها نیز پس از بیکاری دهقانان فقیر، مهاجرت از روستا به شهر ها در جستجوی کار(کارهای غیر رسمی) افزایش یافته و در اکثر موارد خانوارهای روستایی، به دست فروشی در گوشه و کنار خیابان مشغول می شوند.

اما طرح هدفمندی یارانه ها بیشترین زیان را برای زنان خواهد داشت. زنان چه شاغل باشند چه بیکار، در هر صورت بار اصلی خانواری که هزینه هایش چندین برابر می گردد را بر دوش می کشند. زنان سالهاست که بر اساس سنت خانوادگی، مدیریت خانوار را به عهده گرفته اند. همیشه شاهد بوده ایم که زنان در میان اقشار فقیر مجبور بوده اند برای تأمین نیاز های خانواده لباس بدوزند، یا با انجام کارهای دستی مثل بافندگی و گلدوزی در تأمین هزینه ها کمک نمایند. **در** اغلب موارد هم سرپرست خانواده بوده اند و هم مدیر **خانواده**(البته مدیربدون قدرت و بدون دستمزد که تنها در نام مدیر است ومدیر است چون باید شرایط سخت معیشت را نظم دهد وگرنه در اصل یک مطیع به تمام معنا باید باشد و این مدیریت هم، تحمیلیست و جزء همان تبعیت هاست) و، در این شرایط در آن واحد هم شاغل بوده اند و هم خانه دار اما تنها به عنوان کدبانو **مورد** تحسین قرار گرفته اند چون درجه نمونه بودن هر زنی در هنرمند بودن او در رتق و فتق امور خانواده و هماهنگی نیازهای خانواده بر اساس در آمدی که همیشه در اختیار شوهر است سنجیده می شود.

امروز نیز با اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه ها، فشار عمده بر زنان خواهد بود و آنان هستند که بایستی درآمد اندک خانواده رابه نیازهای موجود اختصاص دهند. در این میان کوچکترین اشتباهی، انگشت اتهام را نه بر دولت جمهوری اسلامی که بر زن، نشانه می رود.

این روزها با زنی برخورد کردم که می گفت با این پولی که احمدی نژاد داده می خواهم برای **پسرم شلوار** جین بخرم، دیگری می گفت می خواهم با این پول تلویزیون بخرم. تمام این افراد لوازم مورد نیاز برای حداقل زندگی را ندارند و نمی دانند که با اجرایی شدن

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

طرح، هزینه های عادی زندگی شان که تا به حال موازنه دخل و خرجشان را به هم ریخته بود، چند برابر می شود و این پول حتی کفاف اختلاف هزینه های امروز و درآمد دیروزشان را نمی دهد. تبلیغات تلویزیونی هم درباره فروش طلا و لوازم خانه به صورت قسطی هم که قوز بالا قوز شده.

و متأسفانه برخی از این افراد تصور می کنند که دولتی حامی اقشار ضعیف جامعه اداره امور را به دست گرفته است. مثل آن فردی که می گوید این دولت اولین دولتی است که به مردم پول داده است. اما این تصور باطل مدت زیادی دوام نمی آورد و به زودی پیامدهای ناشی از اجرای آن اقشار ضعیف جامعه را بیش از پیش متضرر خواهد نمود. آدم یاد این ضرب المثل می افتد که " پول روی پول می آید و باد زیر پیراهن پاره ".

پیامدهایی چون بیکاری روز افزون و هرچه پایین تر آمدن قدرت خرید مردم، از جمله نتایج کوتاه مدت این **طرح است**. تعدیل ساختاری، در بلندمدت، اثرات جبران ناپذیری بر موقعیت زنان اقشار ضعیف جامعه بر جای می گذارد. خصوصی شدن و گرانتر شدن بخش آموزش و پرورش باعث می گردد خانواده های فقیر مانع از تحصیل فرزندان دختر شده و سن ازدواج در میان دختران این قشر از جامعه، به منظور تعدیل هزینه های خانوار پائین بیآید. این قبیل پیامدها در هرچه پر رنگ تر نمودن ستم بر زنان تأثیر فراوان خواهد داشت.

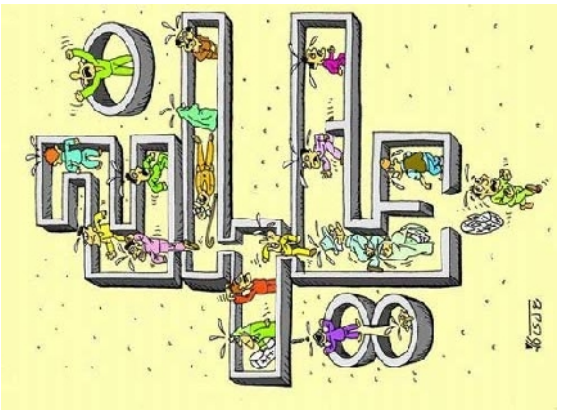

از سوی دیگر فشارهای هزینه ای بر خانواده، زنان را به تن دادن به کارهای سخت با حداقل دستمزد سوق خواهد داد. برای مثال ما شاهد پرستار شبانه روزی برای ۲۰۰هزار تومان، منشی مدیر عامل با ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار برای ۲۵۰هزار تومان و ... هستیم که این روند در آینده اسف بار تر خواهد شد. همواره افزایش عرضه یک کالا، قیمت آن کالا را کاهش می دهد. این قانون نظام سرمایه داری با توجه به آنکه نیروی کار نوعی کالا به حساب آمده و توسط افراد در قبال دستمزد به فروش می رسد، بدین شکل عمل می کند که با بیکاری روز افزون در ادامه طرح تعدیل ساختاری و عرضه بیشتر نیروی کار، قیمت آن یعنی دستمزد کاهش می یابد و زنان که در اولویت های استخدامی در درجات دوم می باشند مجبور خواهند بود برای تأمین معیشت خود به پایین ترین سطح اشتغال با حداقل دستمزد تن دهند و این نمونه حقیقی فوق استثمار خواهد بود و ادعاهای دروغینی چون قانون کار و تعیین حداقل دستمزد توسط دولت در بازار کاری که از مناسبات سرمایه داری و آزادی کامل عملکرد اقتصادی پیروی می نماید مثل همیشه جز برای فریب توده ها هیچ نتیجه ای نخواهد **داشت**. از سویی دیگر قطعا فحشا و تن فروشی نیز افزایش خواهد یافت. وقتی که برای بر **آورده نمودن** نیازهای اولیه ات درمانده باشی به هر چیزی تن می دهی و حتی می تواند قشر وسیعتری از زنان را در بر بگیرد. چه آنهایی که سرپرست خانوار هستند و و چه آنهایی که خانه دار هستند اما در آمد مرد خانواده کفاف زندگی را نمی دهد.

در کنار نتایج فوق ما در طولانی مدت شاهد خواهیم بود که به دنبال کاهش هزینه های اجتماعی دولت، بخش بهداشت و درمان نیز گران تر شده و زنان قربانیان اول در این مورد خواهند بود. وضعیتی که تشریح گردیدنه تنها رفاه نبوده بلکه با صرفه جویی اجباری و چند برابر شدن قیمتها، جامعه را به فلاکت بیشتری سوق خواهد داد.

موضوعی دیگر که با فقیر شدن بیشتر مردم و تحت فشار قرار گرفتن آنها از زاویه اقتصادی شاهد آن هستیم تبلیغ و ترویج هر چه بیشتر مذهب است. همانطور که احمدی نژاد در شب قبل از اجرای طرح اشاره ای کرد که "ما پیرو علی و فاطمه هستیم، ما حسین بن علی را داریم، کسانی که **۳ روز بدون** سحری روزه می گرفتند و بعد تازه افطاری شان را هم به افراد فقیر می دادند. ما پیروان آنها هستیم. باید از آنها بیاموزیم". **خوب** خیلی روشن است که با دین و مذهب می خواهند مردم مجاب شوند که ریاضت کشیدن و سختی کشیدن اشکالی ندارد و **خولست** "خداوند" **لست** و "امتحان الهی" **لست**. **چون** امامان همینطور بودند. در این میان زنان قطعا بیشتر تحت فشار خواهند بود. چون همیشه آنها هستند که قربانی و فداکار باید باشند. چون دین و مذهب همیشه برای زنان دست و پا گیر تر بوده است. بهتر است که ساده تر لباس بپوشند، چون دین گفته زنان ساده باشند و حالا چه بهتر دخل و خرج هم جواب نمیدهد، توفیق اجباری حاصل شده است. کتاب نخوانند. کتاب خریدن هزینه اضافه است. قرآن بخوانند و دعا کنند و عبادت تا همه چیز درست شود. باید بیشتر حواسشان به خانه و خانواده و اقتصاد باشد تا اینکه در اجتماع ظاهر شوند. چون وظیفه اول زنان همسر و مادر بودن است.

ادامه در صفحه ۸

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

عصیان تصمیم دارد در شماره های مختلف نشریه به معرفی زنان شایسته ای بپردازد که درسایه مردان و جوامع مرد سالار ماندند و هرگز شناخته نشدند. در این زمینه ،یاری همراهان و خوانندگان عصیان را پذیرا هستیم

بخش هایی از نوشته"رنج تحمل ناپذیر سوفیا"

برگرفته از نوشته های اسد سیف

سایه تولستوی آن‌چنان عظیم بود که همان چند اثر همسرش، سوفیا، نیز نادیده گرفته شد، امری که تا همین چند سال پیش ادامه داشت. رمان او با نام "یک سئوال از گناه" پس از یک قرن، در سال ۲۰۰۸ منتشر شد. نوول "ترانه‌ی بدون واژه" که در سال ۱۹۰۰ به پایان رسیده بود، امسال منتشر شد. دفتر خاطرات او هنوز هم به شکل کامل خویش انتشار نیافته است.

صد سال از مرگ لئو تولستوی گذشت. در ۲۰ نوامبر ۱۹۱۰ دفتر روزگار نویسنده‌ای بسته شد که وی را از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان و نابغه‌ی قرن می دانند. آثار او را هنوز میلیون‌ها نفر در جهان می خوانند و لذت می برند.

در روسیه قرن نوزدهم نویسنده وجدان بیدار مردم بود، کسی که برای عدالت اجتماعی نیز مبارزه می کرد. تولستوی در تمام لحظات زندگی کوشید تا این بار را بر دوش بکشد. در این راه بود که سرانجام همه هستی خویش بین دهقانان تقسیم کرد. روس‌ها او را به حق وجدان روسیه می دانند.

بر ضد خرافات کلیسا قد علم کرد، به نقد آن برخاست. به صراحت اعلام داشت که آموزه‌های کلیسا خرافات و دروغ هستند. او این مذهب را که بزرگترین حامی تزار بود، خوش نداشت. پس از انتشار آخرین اثر او، "رستاخیز"، کلیسا او را مرتد اعلام داشت.

در ۱۸۵۱ در جنگ‌های کریمه شرکت کرد. از تجربه این جنگ رمان "قزاق‌ها" را نوشت. پس از جنگ، در ۳۴ سالگی با سوفیا آندریوا آشنا شد که آن زمان هیجده سال داشت و نویسنده‌ای بود در آغاز راه. این آشنایی به ازدواج انجامید. آن دو پنجاه سال با هم زندگی کردند.

سوفیا با رفتن به خانه تولستوی از نوشتن بازایستاد، دفتر خاطراتِ گذشته را سوزاند تا به شکوفایی نبوغ نویسنده‌ای کمک کند که دنیایی دگر جستوجو می کرد. تولستوی اما دفتر خاطرات خویش در اختیار او گذاشت. سوفیا دانست که او پیش از ازدواج با وی، با زنان بی‌شماری در رابطه بوده است، چیزی که تا پایان عمر فراموش نکرد.

سوفیا شانزده‌بار حامله شد، سه فرزندش مرده به دنیا آمدند. از سیزده فرزند تنها هشت نفرشان زنده ماندند. تولستوی با هر گونه پیشگیری از بارداری مخالف بود. گذشته از کار تربیت و رسیدگی به بچه‌ها، سوفیا مسئولیت بازنویسی دستنوشته‌های شوهر را پذیرفت. تولستوی بسیار بدخط و ناخوانا می نوشت، آن‌سان که جز سوفیا کمتر کسی از آن‌ها سر در می آورد. فصل‌هایی از "جنگ و صلح" را که درسال ۱۸۳۶ در ۱۵۰۰ صفحه منتشر شد، هفت بار بازنویسی کرد. همین روند در "آناکارنینا" که در سال ۱۸۷۶ منتشر شد نیز تکرار شد. در سال‌های بازنویسی این اثر سه فرزندش مردند و خود به سختی بیمار شد. برخی از فصل‌های این کتاب ۲۳ بار بازنویسی شده‌اند.

سوفیا هر شب، پس از آن‌که بچه‌ها می خوابیدند، کار بازنویسی را آغاز می کرد که در بعضی از شب‌ها تا ساعتِ سه صبح ادامه داشت. آن‌چنان به کار فرزندان و شوهر مشغول شد که خود از یاد برد و دیگر چیزی ننوشت. همه زندگی به راه شکوفایی نبوغ و زندگی شوهر و فرزندان به کار گرفت. ننوشت و نوشتن به کنار نهاد تا تولستوی بنویسد و ببالد.

عقاید تولستوی را می توان در آثارش پی گرفت. مرد آرمانی او "لوین"، قهرمان "آناکارنینا" است. آن‌چه از زبان لوین جاری می شود، در واقع سخن و آرزوی نویسنده است. کاتیا، همسر لوین، نیز زن ایده‌آل نویسنده باید باشد. رابطه تولستوی با زنان، پیش از ازدواج را نیز می توان به شکلی در همین رمان مشاهده نمود. این بخش انگار حاصل تجربه‌های خود اوست.

در "سونات کرویتسر" (سونات مرگ؟) از عشق و ازدواج می نویسد، از خوشبختی و ناامیدی در آن. به مشکلاتِ فکری و جنسی بین زن و شوهر می پردازد، از همسری می نویسد که پس از پنج زایمان، به علتِ سلامتِ جسمی نباید بچه‌دار شود، به همین علت از همخوابگی با شوهر سرباز می زند. به ذوق شخصی خویش، نواختن پیانو روی می آورد. شوهر به این

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

حالت زن مشکوک می شود، فکر می کند عشقی تازه در میان است. این رمان، روایت مردی عقده‌ای‌ست، حسادت و شک در آن با فاجعه و مرگ پایان می یابد.

در این رمان هرچند تولستوی کوشید تا قهرمان زن رمان هیچ شباهتی به همسرش نداشته باشد، اما می توان سوفیا را در آن بازشناخت.

چاپِ این رمان در ۱۸۹۱ باعث شد تا مطالب طرح شده در آن زندگی خصوصی نویسنده قلمداد شوند و این موضوع را مشکل نویسنده با همسرش بدانند. دامنه شایعات آن‌سان گسترده بود که سوفیا رمان "کدام اشتباه؟ داستان یک زن" ("پاسخ به یک گناه" نیز ترجمه شده) را در برابر آن بنویسد. این رمان صد سال امکان چاپ نیافت.

در رمان سوفیا، دختری هیجده ساله با مردِ فئودال سالمندی ازدواج می کند. پس از تولد نخستین فرزند، متوجه می شود که شوهر بیشتر به کارهای شخصی خویش مشغول است و توجه‌ای به او و فرزند ندارد. از این رفتار شوکه می شود. زن به موسیقی علاقه دارد، می نوازد، چیزی که شوهر نمی بیند و به آن توجه ندارد. در این میان زن با مرد جوانی در کنار ملکِ شوهر آشنا می شود، میان خود و آن مرد جوان، علاقه‌های مشترک می یابد. آن دو باهم به گردش می روند، کتاب می خوانند و نقاشی می کنند. این رفتار، حسادت و تخم شک در شوهر نسبت به همسر جوان می پاشاند.مرد جوان روزی اعلام می دارد که عازم سفر است. زن به قصد بدرود، نزد او می شتابد. در بازگشت به خانه، خشم شوهر با کتک بر سرش خالی می شود.

به رسمیت نشناختن زن از سوی شوهر در این رمان، همان چیزی بود که سوفیا در زندگی خویش با تولستوی، از آن رنج می برد. سوفیا در این اثر، نخستین زن نویسنده روس است که از رنج زن در جامعه مردسالار می نویسد، تابوی سکس را می شکند و از آن سخن می گوید.

(تولستوی) در پاییز ۱۹۱۰، در ۸۲ سالگی نامه‌ای به رسم خداحافظی به همسرش نوشت، همه زندگی خویش به رعیت‌ها و خانواده بخشید، در تاریک‌روشن صبح، مخفیانه از خانه بیرون زد تا آخرین سفر خویش آغاز کند. می خواست آن‌سان زندگی کند که در داستان‌هایش آفریده بود. به مقصدی نامعلوم، در هوایی سرد، سوار قطاری درجه سه شد، پس از طی مسافتی به تب دچار آمد. در آخرین ایستگاه، در روستای دورافتاده‌ای به نام آستاپوا، یکی از کارکنان قطار او را به ساختمانی کنار ایستگاه منتقل می کند. همسر و فرزندان با اطلاع از حادثه خود را به آنجا می رسانند. تولستوی در میان تبِ شدیدی که هفت روز ادامه داشت، تنها در آخرین لحظاتِ حیات، سوفیا را به حضور می پذیرد. دقایقی بعد در میان هزاران نفر از "تولستویی‌ها" (طرفداران تولستوی) که با شنیدن خبر به محل آمده بودند، بر اثر برونشیت می میرد.

دنیای مردسالار پس از مرگ تولستوی، علت فرار او را از خانه به رفتار همسرش با او قلمداد می کند. بی آن‌که بخواهند از واقعیت‌ها چیزی بیابند و یا ببینند، جدا بودن اتاق خواب آن دو را در سال‌های پسین زندگی و یا تنش‌های معمولی بین آن دو را با بوق و کرنا در روزنامه‌ها علم می کنند تا این فکر را به خوانندگان و دوستداران او القاء کنند که علت واقعی مرگ پیرمرد، سوفیا بوده است. شاید علت این امر که چاپ کامل خاطرات او هیچگاه امکان نیافت این باشد که دولت شوروی نیز دوست نداشت تا بر زندگی این شخصیتِ الگو، سایه‌ای افکنده شود.

زندگی سوفیا یادآور این سخن ویرجینیا وُلف است در کتاب "اتاقی از آن خود" که در آن طنز گزنده خویش به کار می گیرد، موضوع "خواهر شکسپیر" را طرح می کند که بعدها مثالی می شود نمونه در ادبیات فمینیستی؛ اگر شکسپیر خواهری با نبوغ فوق‌العاده به نام مثلاً یودیت داشت، غیرممکن بود هم‌چون برادرش چنین نمایشنامه‌هایی بنویسد. آن‌گاه که شکسپیر امکان حضور در لندن و تماشاخانه‌های آن را یافت، خواهرش مجبور بود، جوراب‌های او را وصله پینه کند و یا در آشپزخانه مراقب باشد تا غذا نسوزد. او اگر از وظیفه خویش سرپیچی می کرد، کتکِ جانانه پدر در انتظارش بود. اگرهم شهامت به خرج می داد، به تئاتری نزدیک می شد، از مدیر آن آبستن می شد و نتیجه آن‌که، در شبی زمستانی به زندگی خویش پایان می داد.

جهان طی قرن گذشته به حق، به تولستوی افتخار کرده است، میلیون‌ها نفر آثار او خوانده و می خوانند. ده‌ها فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی با اقتباس از آثارش ساخته شدند. در صدمین سالمرگ او ترجمه‌های تازه‌ای از آثارش به چاپ رسید، هزاران مجلس گرامیداشت برگزار شد. تمامی نشریات مترقی در جهان به تمجید از او و آثارش نوشتند. در این میان اما کسی از رنجی که سوفیا متحمل شد، چیزی ننوشت.

همراهان عصیان، شماره بعدي عصيان ويژه ۸ مارس روز جهاني زن مي باشد.با ارسال مقالات،عکس و گزارش،شعر، کاریکاتور،معرفی ونقد کتاب تا اول اسفند ۱۳۸۹ ما را ياري کنيد.

هیئت تحریریه عصیان

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

.دختران دانشجو و پرسش و پاسخ

روشنک مینو- سایه صفا

من به همراه يكي ديگر از رفقا رفتيم دانشگاه تهران. بعد از ورود به دانشگاه و سر زدن به فضاهاي مختلف دانشگاه در محوطه ي دانشكده هنرهاي زيبا، دو دانشجوي دختر را ديديم كه برخلاف بقيه ي گروهها مشغول درس خواندن نبودند و پيشنهاد ما را قبول كردند بعد از چند دقيقه دوستشون هم به آنها اضافه شد. سوالاتمون را از يك سري سوالات عادي تر شروع كرديم.

اولين سوال در خصوص برنامه آنها پس از اتمام دوره تحصيلي شان بود يعني اينكه آيا قصد داريد پس از اتمام تحصيلات، اشتغال داشته باشيد ؟

دو نفر از آنها جوابشون مثبت بود ولي يك نفر مي گفت اولويت من كاركردن نيست. تحصيل مي كنم كه تحصيل كرده باشم. پرسيديم اگر بعد از ازدواج شوهرتون يا اصلاً يكي از اعضا خانواده يا اطرافيانتون مانع از اشتغال شما شود چه مي كنيد؟

يكي شون مي گفت كارم را رها مي كنم به خاطر زندگيم مثلاً بايد براي بچه هايم وقت بذارم. **نفر بعدي** مي گفت بستگي داره كه چه شرايطي باشه بايد ببينم كه به خاطر چي ازم مي خوان كه كار نكنم. اگر به خاطر بچه هام باشه اين كار را مي كنم چون وظيفه شوهرمه كه خانواده را از نظر مالي تأمين كنه اما اگر به خاطر تعصبات و اين جور چيزها باشه من اصلا با يه چنين **آدمي ازدواج نمي كنم**. بهشون گفتيم در بسياري موارد بهانه هايي مثل تربيت بچه ها مطرح مي شه تا استقلال زنان و امكان آنها در تأمين اقتصادي خودشون سلب بشه. ولي بچه ها به بحث دامن نمي زدند و در برابر حرفهاي ما در بيشتر موارد موافقت مي نمودند. **سعي** كرديم بحث را از حالت شخصي به مسائل اجتماعي سوق بديم.

سوال بعدي درباره مستمزد نابرابر در مقابل كار برابر زنان با مردان بود. بچه ها اصلاً از وجود چنين قانوني در ايران و جهان اطلاع نداشتند بعد از اينكه درباره اش توضيح داديم به اين ترتيب نظرشون را اعلام **كردند:**

ـ اين قانون خيلي بده اما با اين وجود من كارم را رها **نمي كنم**

ـ كارفرماها فكر مي كنن بازدهي مردها بيشتره براي همين اين قانون رو گذاشتن

ـ كساني كه اين قانون را گذاشتن مرد هستند براي همين اينجوريه

نظرشون رو درباره بومي گزيني دانشگاهها پرسيديم. دو تا از بچه ها كه تهراني بودند مي گفتند بومي گزيني خوبه چونكه وضعيت خوابگاه ها اصلاً خوب نيست. **فضا و امكانات** مناسب نداره، آدم توي خونه خودش **راحتتر است**. از طرف ديگه باعث مي شه كه سطح دانشگاههاي شهرستانها بالا بره چون بچه هاي باهوش توي شهر خودشون مي مونند. نفر سوم كه خودش شهرستاني بود، با سهميه بندي مخالف بود مي گفت: "كسي حق نداره دخالت كنه كه من كجا زندگي كنم. اين اقدام باعث كم شدن انگيزه براي درس خوندن مي شه چون اون كسي كه رتبه خيلي خوبي آورده مجبوره با كسي كه رتبه اش بد است يك جا درس بخونه و دليل اصلي اين كار محدود كردن دخترهاست، امكان استقلال از اونها سلب مي شه اما من مي خوام آزادي و امكانات بيشري داشته باشم."

درباره سهميه بندي جنسي نظرشون را پرسيديم. بچه ها به خوبي جزئيات اين قانون را نمي دونستن و فكر مي كردن كه دليل اين قانون مي تونه اين باشه كه مانع بي سوادي و بي كاري پسر ها بشه چون قبل از آن دختر ها درصد بالاي پذيرش دانشگاه را داشتند.

سوال بعدي : آيا تا به حال بين خودتون و پسرها تبعيض را احساس كرديد؟

بچه ها تبعيض را حس كرده بودند. حجاب يكي از مهمترين تبعيضهاي ميان دخترها و پسرها است. **بعد** از اون سيگاركشيدن، **ورزش كردن**.

نظرشون را در مورد حجاب پرسيديم. هر سه حجاب را غير ضروري مي دونستند و از نظر عقيدتي هم **قبول نداشتند**. اما در جواب به دلايل اجباري بودن حجاب، يكي مي گفت كه هميشه گفتن حجاب مانع از تحريك شدن مردها مي شه اما به نظر من تحريك شدن مردها به ظرفيت جامعه ربط داره نه حجاب زنها. **نفر** بعدي نظرش اين بود كه حجاب الزاماً به دين ربط نداره، حجاب يعني نوع پوشش، نفر سوم **گفت**:" **حجاب** زوري بعدش حد و مرز زوري و در نهايت اينكه حرف من مهم نيست" (منظور ابزار سلطه بود)

سوال بعدي درباره رابطه دختر و پسر بود و پرسيديم نظرشون درباره رابطه جنسي پيش از ازدواج چيه؟ وآيا خودتون اين رابطه را تجربه كردين ؟

هر سه در زمينه داشتن اين تجربه **جوابشون منفي بود**. اما يكي مي گفت از نظر اخلاقي با اين رابطه مشكلي

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

نداره اما شرعاً ايراد داره، وقتي رابطه شرعي باشه ضربه اجتماعي كمتري داره. بحث را به سمت قضيه شرعي برديم، پرسيدم يعني اگر صيغه بخوني اين رابطه را برقرار مي كني، باز هم جوابش منفي بود و دليل اصلي را بحث رسمي بودن و پذيرش خانواده عنوان كرد.

دو نفر ديگر هم دلايل خود را بحث اجتماع و عدم پذيرش اين روابط از جانب جامعه ابراز نمودند.

بعد از اين گروه سراغ گروه هاي ديگر رفتيم. احتمال اينكه دختري در محوطه ي دانشگاه تنها باشد بسيار كم بود ولي مقابل دانشكده ي فني توجه مان به دختري جلب شد كه تنها بود و مشغول نوشتن. وقتي به او پيشنهاد داديم كه در رابطه با يك سري مسائل باهاش گفتگو كنيم خيلي استقبال كرد.

بعد از چند دقيقه يكي يكي دوستاش اومدن، روي هم 5 نفر بودن، مثل دفعه قبلي از اشتغال شروع كرديم. با قاطعيت گفت كه بعد از فارغ التحصيلي كار مي كنم چونكه استقلال مالي داشته باشم و از لحاظ اجتماعي هم، فرديت من مهم باشه يعني در كنار ديگران مهم نشم. مثل خانم آقاي دكتر يا دختر آقاي مهندس.

در جواب به اين سوال كه اگر بعد از ازدواجت ازت بخوان كه كار نكني چه عكس العملي نشون مي دي گفت كه اصلاً ازدواج نمي كنم.

بچه هاي ديگه در جواب به اين سوال بحث متفاوتي را به راه انداختند، بحث "هدف از آمدن به دانشگاه "

يكي از اونها مي گفت دخترها اكثراً پايبند اين نيستند كه كار كنند اكثراً دنبال شوهر مي گردند. دانشگاه تبديل به بازار ازدواج شده.

من نمي خواستم كه روي ذهنشون تأثير بذارم، مي خواستم بدون تأثير ما افكارشون رو بگن وقتي بحث روي يه موضوع تموم مي شد ما اظهار نظر مي كرديم تا نسبت به مسئله حساس بشن.

من ازشون پرسيدم اگرهم اين چيزي كه مي گيد درست باشه فكر مي كنيد چرا دخترا بايد چنين كاري بكنند؟

يكي گفت آزادي عملي، حرفي و نگاهي دخترا كمتر از پسرهاست (مظورش از بابت انتخاب بود، زد وسط حل، بحث شروع شد.) دخترا حق انتخاب ندارند بلكه بايد انتخاب بشن. مجبورن برن دانشگاه، بعد از اينكه فرد مورد نظرشون را انتخاب كردن، مراسمهاي سوري خواستگاري راه بيندازند. در دانشگاه ارتباط با پسرها و آشنايي باهاشون آسونتره.

يكي ديگه مي گفت ارتباط داخل دانشگاه هم مشكل داره وقتي با يه پسر حرف بزني، هم سن و سالان خود ما فكرهاي بدي دارند. از تجربه خودش مي گفت كه بعد از حرف زدن با يك پسر، دخترهاي ديگه با تمسخر بهش مي گفتن " آقاتون"!

يكي ديگه از يه بعد ديگه نظر داد. مي گفت دليلش عدم استقلال ملت. هميشه خودمون را وابسته به مردها مي دونيم.

بحث را برديم به سمت روابط پيش از ازدواج.

تقريباً همگي با اين رابطه موافق بودن. دلايل موافقت را چيزهايي از اين قبيل عنوان مي كردند كه: در روابط اينچنيني استقلال بيشتر است (مظورش از بابت بحث مالكيت مرد بر زن بود.)

يكي ديگه كه موافق بود مي گفت وقتي ازدواج كنم مجبورم با رابطه جنسي تحميلي بسازم و در نهايت يك زندگي ناموفق داشته باشم.

يكي از بچه ها با اين رابطه مخالف بود دليلش اين بود كه ممكنه ولم كنه وعلاوه بر اون نگاه خانواده و جامعه دليل اصلي تر بود. بيشترشون از اين رابطه به خاطر اينكه يك پسر ممكنه بعد از رابطه و از بين رفتن بكارت، تركشون كنه ممانعت مي كردند و دليل عمده، رسمي نبودن رابطه مي باشد، به همين دليل حاضر نبودند اين رابطه را داشته باشند.

يكي از بچه ها در برابر اين نظر مي گفت كه آدم بايد براي روابط خود انسانهايي را كه شبيه خودش هستند انتخاب كنه و ديگري معتقد بود كه اين تفكر از جانب خانواده ها تزريق مي شه كه پسر و دختري كه دوست هستند با هم ازدواج نمي كنند.

دو تا از بچه ها از پدر و مادرشون مي گفتند كه خود اونها در آزادي كامل بودند با هم دوست بودند بعد ازدواج كردند ولي مانع بچه ها مي شن و به اونها مي گن كه ما شانس آورديم ولي شما اين شانس را نمي آوريد.

درباره ي رابطه پارتنر پرسيديم همه قبول داشتن ولي به خاطر فضاي جامعه ي امروز ايران، امكان ناپذير مي دونستش.

يكي از بچه ها بحث جالبي رو كه ما در سوالاتمون لحاظ نكرده بوديم به ميان كشيد. گفت كه مبارزه با اين شرايط (بيشتر منظور محدوديت خانواده بود) چقدر مي تونه تأثير داشته باشه؟

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

جواب خودش این بود که در خانواده نتایج جنگیدن را دیده و شاهد بوده که همه چیز قابل تغییر است و او در برابر کوچکترین مسائل ایستادگي مي کنه. یکي دیگه از بچه ها مي گفت که به من خیلي فشار مي آرن، باید جد و آباد دوستامو بشناسن تا بتونم برم خونشون یا باهاشون برم بیرون، من بهشون گفتم که اگه قرار باشه من توي منگنه باشم هیچ جا نمي رم حتي دانشگاه، اما در جواب پدرم بهم مي گه که پشتم مي لرزه، یعني به من اعتماد نداره و دست آخر همش به خاطر اون حس مالکیت است.(منظورش این بود که جنگ براش نتیجه بخش نبوده)الان موقع مطرح کردن بحث حجاب بود.

یکي مي گفت: پوشش من باید طوري باشه که امنیت و شخصیت من را تأمین کنه چرا من باید عرق بریزم و یه پسر با تي شرت خوشحال و خندان باشه.

دیگري مي گفت: من با بحث آبرو و خط و مرزهاي جامعه موافق نیستم به نظرم هر کسي هر جوري که دوست داره باید لباس بپوشه. طرز لباس پوشیدن انسانها نشان دهنده تفکر آنهاست و وقتي که به حجاب انسانها اجبار داده مي شود نسبت به تفکر آنها دخالت شده. حجاب بایستي لغو بشه چون فرهنگ و فکر افراد جامعه را باید تغییر داد.

یکي دیگه مي گفت: جامعه باید به سمتي بره که به فردیت انسان و استقلال او اهمیت بدهد (منظورش از فردیت که مدام توي جملات ازش استفاده مي کرد به نظر من جایگاه مستقل زن، به عنوان نیمي از جامعه بود) حجاب یك مسئله شخصي است و به کسي ارتباط ندارد. دلیل اینکه انسانها خیلي از مسائل خود را که به آن اعتقاد دارند مثل زندگي پارتنري، دوست پسر و ... را پنهان مي کنند بخاطر این است که جامعه ما در کوچکترین مسائل افراد دخالت دارد.

یکي شون که ظاهر باحجابي داشت مي گفت من قبلاً با حجاب نبودم اما الان فکر مي کنم که دین محدودیت هایي را برایم ایجاد نموده که خیلي من رو اذیت مي کنه.

سوال بعدي در رابطه با دستمزد نابرابر بود. از این موضوع بي اطلاع بودند و یکي شون فکر مي کرد که شاید دلیلش این است که تأمین خانواده بیشتر بر عهده مردان است و مثلاً به خاطر حامله شدن زن ها مردان در اولویت استخدام مي باشند. از لحاظ کارکرد هم زن ها احساساتي ترند و از نظر اون در کل جامعه (نگاه مردسالار) بي تأثیر نیست.(تاکیدات از ماست)

یکي مي گفت که علاوه بر تبعیض دستمزد در استخدام هم تبعیض وجود داره. مي گفت من رشته الکترونیك رو دوست داشتم اما چون زنها رو در این رشته به عنوان نیروي کار نمي پذیرند اومدم رشته دیگري خواندم.

درباره بومي گزیني پرسیدیم. یکي شون خیلي مخالف بود چونکه تجربه ي خودش این بود که اگر رتبه اش به تهران نمي خورد، براي همین نمي تونست که بره دانشگاه چونکه نمي ذاشتن بره شهرستان. در کل مي گفت بومي گزیني درست نیست چون کسي که استعدادش را دارد در دانشگاه بهتر درس بخونه از این امکان محروم مي شه. در زمینه ي علل این قانون مي گفتن که وابستگي زیاد به خانواده مي تونه دلیلش باشه وبعد از اون جنبه هاي فرهنگي .یعني اینکه کسي که از شهرستان مي آید در اکثر موارد با فرهنگ موجود دچار مشکل مي شه.

یکي دیگه از بچه ها که با بومي گزیني موافق بود مي گفت بین شهرستاني ها با ما تفاوت فکري و برخوردي وجود داره مثلاً برخورد با پسرها. دختر احساساتي است و از کجا معلوم وقتي از شهرستان مي آید وابسته به کسي نشه و صدمه نبینه.

یکي دیگه از بچه ها که خودش از مشهد اومده بود مي گفت که اگر شرایط تحصیلي یکسان بود خوب مي شد اما در رابطه با علل این قانون هدف این است که دختران در حصار خانه باشند و استقلال نداشته باشند و از همه مهمتر اینکه اعتقادات خرافي منطقه و نسل قبل به نسل جدید منتقل بشه و اونها رشدي نداشته باشند یك دلیل دیگه هم فعالیت سیاسي در دانشگاه است که اگر بچه ها توي شهر خودشون باشن نمي تونن انجامش بدهند.

ادامه از صفحه...۲

جمهوری اسلامی علیرغم ادعاهایی پیرامون استقلال از قدرت های جهانی و شعار استکبارستیزی، جزو فرمانبرداران مستورالعمل امپریالیسم جهانی است. اکنون، از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها که یکی از گام های پروژه ویرانگر تعدیل ساختاری است؛ مدتی سپری شده است و در ماههای آتی نتایج آن ظاهر خواهد شد. ما زنان که اولین و آسیب پذیرترین اقشار از اجرای این طرح می باشیم نباید به تماشای این نتایج بنشینیم بلکه بایستی در مقابل این طرح ضد اجتماعی به مبارزه برخاسته و واقعیت ها و نتایج حقیقی آن را افشا نمایم. نباید در مقابل آن سکوت کنیم و سر را پایین بیندازیم. نباید خودمان را به جریان موجود بسپاریم و چشمها را ببندیم. باید اینهمه ظلم و بیعدالتی را فریاد بزنیم. باید با زنان دیگر در میان دوستان و آشنایان و همکاران بر سر نتایج این طرح بحث کنیم و آنها را آگاه کنیم. به عنوان اولین کسانی که از این طرح ضد مردمی ضربه می خوریم باید بتوانیم اولین معترضان و سازمان دهنده اعتراضات مردمی باشیم. اگر آگاه شویم به قویترین سلاح مجهز شده ایم و آنگاه غیر ممکن ،غیر ممکن است.

This document was created using SOLIDPDFTools
To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

بکارت، خشونت پنهان

س‌شاملو

وقتی از دور نگاش کردم اولین چیزی که به چشمم اومد قرمزی توری بود که رو سرش بود این قرمزی سمبلی بود از اینکه تمام مهمانان بدانند نو عروس این خانه باکره است و این سمبل در خیلی از مناطق ایران استفاده میشود .

بکارت یکی از خشونت های پنهان علیه زنان است بارها دیده ام دخترانی که استرس بود و یا نبود بکارت را دارند و حتی برای زندگی آن دختر مهم ترین مسئله است و گاهی نبودش به قیمت نزیستن است .این مسئله را در کشورهای سنتی و در حال گذاراز سنت مثل ایران بیشترمی توان دید. تاثیرسنت آنچنان درایران قوی است که این مسئله را وارد قانون هم کرده است که در ادامه به آن اشاره میشود .

اما چرا بکارت برای دختران آری ؟

وجود بکارت نشانه آن است که دختر قبل از ازدواج با مردی دیگر رابطه جنسی نداشته است و دست نخورده به مرد رسیده است. بکارت مبادله نمادین میان پدر و شوهر است که دختراز زیر سلطه پدر در آمده و به همسر رسیده است. حس مالکیتی که مرد با وجود این بافت، بر زن می تواند بدست آورد صدچندان لذت بخش از اولین تجربه رابطه جنسی با همین زن است زیرا توانسته انسانی را به مالکیت خود در آورد و بر بدنش سیطره یابد، به قول سیمون دوبوار: این خود رابطه نیست که مرد را هیجان زده میکند بلکه، این حس مالکیت است که مرد را ارضا میکند.

بیشتر مردان ترجیح میدهند همسران آنها باکره باشند، این دست نخوردگی را نشانه اعتماد و عفت و پاکدامنی زن می دانند. اما اینها همه تنها یک معنا میدهد و مردان خواهان سلطه بر تمام امیال و خواسته ها و غرایز زنان چه قبل از ازدواج و چه بعد ازآن هستند. این واژه ها بار معنای "زیبا تری" به این خواسته های مردان می دهند.

دختری که بنا به هر دلیلی پرده بکارت خود را از **دست** داده است مایه سر افکندگی و شرمساری و لکه ننگی در خانواده محسوب میشود. خیلی از خانواده ها قبل از اینکه مراحل قانونی برای ازدواج انجام شود، دختر را به پزشکی قانونی و یا دکتر زنان میبرند و گواهی سلامت بکارت میگیرند وآن را مفتخرانه به خانواده داماد تقدیم میکنند. وجود این بافت آنقدر مهم است که مرد میتواند قرار داد ازدواج خود را با دختری که به شرط بکارت ازدواج کرده بهم بزند و براحتی آن دختر را طلاق بدهدو قانون نیز از آن حمایت کند چون کالایی که مرد خریده است به آن شرط بوده و حال که خصوصیات آن کالارا ندارد **قرار** داد بهم زده میشود. بیشتر مراجع تقلید ایران وجود بکارت را شرط اصلی ازدواج نمی دانند ولی آنرا حسن کمال دختر میدانند و بهتر میدانند که وجود داشته باشد .

حتی درهنگام طلاق نیزبودن یا نبودن این پرده آنقدرمهم هست که تاثیر برمیزان مهریه دارد، دختری که باکره است درهنگام طلاق تنها نصف مهریه رامیگیرد ودختری که باکره نیست مهریه را کامل میگیرد.

اهمیت این موضوع در ایران و کشورهای مسلمان و سنتی باعث شده که عمل ترمیم پرده بکارت بوجودآید و با توجه به اینکه این عمل در کشورهای اروپایی انجام نمی شود هیچ اصول خاصی وجود **ندارد و** پزشکان براساس دانسته های شخصی این عمل را انجام می دهند وبا توجه به شرایط و دقت در کار هزینه ها متفاوت است.

اما جامعه ای که زنان را اینچنین "پاک و دست **نخورده**" می خواهد آیا برای مردان هم این بکارت را میخواهد؟ مسلما جامعه ای که قوانین و مذهب و **سنت** آن مردانه است هیچگاه به همجنسان خودش خیانت نمی کند و تمام محدودیت ها تنها برای زنان میخواهد. در همین خانواده هایی که اگر دخترها پرده بکارت نداشته باشند خوار و ذلیل میشوند رابطه جنسی پسرهای افتخار خانوادگی شناخته میشوند و هیچگاه گواهی سلامت بکارت پسران را به خانواده عروس تحویل نمی دهند و یا با همان اصطلاح عامیانه می گویند پسر که چیزی از دست نمی دهد تازه با تجربه تر هم برای زندگی مشترک می شود.

مسئله من و همجنسانم بودن یا نبودن این پرده نیست. مسئله این است که با سنت ها و قوانین مردسالارانه که حتی به خصوصی ترین حیطه های زندگی انسان ها

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

نیز وارد میشود مبارزه کنیم در برابر سنت هایی که انسانیت را به بند میکشند و اجازه میدهند انسان ها بر هم سیطره یابند بایستیم فرهنگ هایی که خواهان فرو دستی زنان است را نابود کنیم و بفهمانیم معیار کمال زن پرده بکارت نیست و حتی حسن هم محسوب نمی شود. آن را مانند دیگربافت های بدن بدانیم و برای آن ارزشی قانونی و مذهبی قائل نشویم و نگذاریم سرنوشت زنان را این بافت رقم بزنند.

دو خبر در یکروز در سایت ها

خبر اول

از سایت

http://maymakoran.wordpress.com/۲۰۱۰/۱/۱۹/bibarg-۳۹۱

می مکران - پدری با همدستی پسرش، دخترش را بیرحمانه کشت. این قتل طبق معمول پس از یک دادگاه چند دقیقه ای خانوادگی انجام گرفته است. این جنایتی تکان دهنده است که ناشی از فرهنگ عقب مانده و تعصبات کوری است که حق انسان ها ی دیگر برای زندگی بر طبق سلیقه شخصی خود را به رسمیت نمی شناسد. می بایست با این فرهنگ خشونت طلبانه مقابله کرد. این امر در کشوری که خشونت توسط حکومت ترویج و اجرا می شود کار بسیار دشواری است. اما باید به هر شکل با این فرهنگ خشن و قرون وسطائی جنگید. و در این راه باید روی جوانان پسر بیشتر متمرکز شد تا آن ها دریابند زمان تعصبات کور و عقب مانده بسر آمده است.

مادری که همسر و پسرش را لو داد؛

به اتهام انحراف اخلاقی، پدر و پسر در زاهدان دختری را کشتند

۲۹ دی ۱۳۸۹ ساعت

روز حادثه من و پدرم که از انحراف اخلاقي فريبا آگاه شده بوديم، وي را مورد بازخواست قرار داديم که در نهايت به اتهام خود معترف شد رييس پليس آگاهي سيستان و بلوچستان گفت: راز قتل دختر جواني به اتهام انحراف اخلاقي به دست پدر و برادرش، در زاهدان فاش شد. به گزارش زاهدان پرس، سرهنگ 'محسن عطار' افزود: زن ميانسالي با مراجعه به پليس، پرده از راز جنايت قتل دختر جوانش به نام 'فريبا.ع' برداشت و دستگيري همسر و پسرش را خواستار شد.

وي با تشريح اين حادثه گفت: چند ماه قبل فريبا.ع به علت مشکوکي فوت کرد و خانواده اش بدون طرح شکايت جسد وي را دفن کردند.

او بيان کرد: پس از مدتي با طرح ادعاي مادر متوفي مبني بر اينکه دخترش به قتل رسيده، پرونده اي در اين زمينه تشکيل و دستگيري قاتلان در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت.

بر پايه گزارش پايگاه اطلاع رسامی پليس، عطار اظهار داشت: در تحقيقات انجام شده از پدر و برادر مقتوله به نام ها 'حميد و بهمن.ع' در خصوص چگونگي فوت و دفن وي، اين دو نفر در نهايت لب به اعتراف گشودند.

رييس پليس آگاهي استان افزود: برادر مقتول در اعترافاتش انحراف اخلاقي خواهرش را علت و انگيزه ارتکاب قتل عنوان کرد.

وي به نقل از برادر مقتوله گفت: روز حادثه من و پدرم که از انحراف اخلاقي فريبا آگاه شده بوديم، وي را مورد بازخواست قرار داديم که در نهايت به اتهام خود معترف شد.

سرهنگ عطار افزود: برادر مقتوله اعتراف کرد، پدرم دو سيلي به صورت خواهرم زد و من نيز او را مورد ضرب و شتم قرار دادم که در اين بين به علت ضربه شديد به سرش، دچار خونريزي شد و فوت کرد.

وي اظهار داشت: پرونده اين قتل به همراه متهمان براي رسيدگي به مراجع قانوني ارجاع شد.

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

پیوند پایدار

خبر دوم: از سایت روشنگری

۲۹دی,خودکشی یک دانشجوی دختر به دلیل مشکلات اجتماعی در دانشگاه کردستان

دانشجو نیوز: به گزارش سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان یک دانشجوی کرد دانشگاه

کردستان اقدام به خودکشی کرد.

ساعت ۲۳ جمعه شب ۲۴ دی ماه، در خوابگاه دختران فرشته دانشگاه کردستان یک دختر دانشجو کرد و اهل کرمانشاه به نام مریم حبیب نیا خودش را به دار آویخت.

خودکشی این دانشجو به دلیل مشکلات روان پریشی ناشی از محدود ساختن فضای حاکم بر جامعه صورت گرفته است. این دختر جوان ۲۳ ساله قبلا نیز چند بار اقدام به خودکشی کرده بود که خانواده و مسئولین دانشگاه نیز از این اقدام وی در جریان بودند. خانواده وی امروز صبح روز بعد (شنبه) جنازه وی را تحویل گرفتند.

گفتنی است که در دو سال اخیر آمار خودکشی دانشجویان در ایران نگران کننده شده است.

در باب خشونت علیه زنان در ترکیه

Sevda Zenjanli_

بر اساس آمار, در ۷ ماه اول ۲۰۱۰, ۲۲۶زن به دلایل ناموسی و مسائل دیگر توسط مردان به قتل رسیده اند,٤٧٦ زن مورد تجاوز قرارگرفته اند و ٦٤٢٣ زن به علت خشونت خانگی به بیمارستان منتقل شدند. این شرایط ناگوار,زنان ترک را به طغیان دعوت میکند. اگرچه حکومت ترکیه تا حدی سکولار است,زنان ترک هنوز زندگی بسیار دشواری دارند. محافظه کاری اسلامی,محدودیت ها علیه زنان و خشونت,از مشکلات بزرگ اینجا هستند. وحشتناکترین این معضلات قتل ناموسی است که در تمام ترکیه وجود دارد اما بیشتر در شهرهای کردی نشین دیده میشود.

یکی از نمونه های این گونه کشتارها,قتل نوجوان ١٦ ساله,Madineh Memi , وسامبر ۲۰۰۹ است.

مدینه به خاطر دوستی با پسرها توسط خانواده اش زنده به گور شد. پیکرش در چاله ای کنار خانه شان پیدا شد. او سه بار تلاش کرد که به پلیس گزارش دهد که توسط پدر و پدربزرگش مورد ضرب وشتم قرار میگیرد,او بار ها سعی کرد به اداره ی پلیس پناه ببرد اما توسط آنها به خانه بازگردانده شد! پیشرفت: " اوستان مذکر دارد و ما از این بابت ناراحت هستیم." پدر و پدربزرگش دستگیر شدند اما متهم نشدند.

ویل ۲۰۱۰, زنان کرد زندانی سیاسی ,پول جمع آوری کردند و در شهر او,حزب سیاسی جنبش کرد, کتابخانه ای به اسم Madineh Memi تاسیس کرد. مسلما قتلهای ناموسی و خشونت علیه زنان تنها به مناطق کردنشین محدود نمیشود. به عنوان مثال در تاریخ ٦ اکتبر ۲۰۱۰,در شهر Kutahya که در نزدیکی دریای اژه است زنی کارگر به نام “Halime Oran” که تصمیم به جدایی از همسرش داشت و برقراری مجدد صلح با او را نمیپذیرفت, توط شوهرش کشته شد! این گونه حوادث نشان میدهد که مساله ی زن تنها در گرو قوانین نیست. حکومت,فرهنگ و سیستم مردسالارانه به شدت در جامعه ریشه دارد. هرچند زنان جوان و مدرن ترکیه در تلاشند تا در سازمانهای فمینیستی و جناح چپ در شهرهای بزرگ چون استانبول و آنکارا سازمان یافته شوند,جامعه ی عمومی هنوز نسبت به مسائل جنسیتی و حقوق زن و افراد LGBT **homosexual,bisexual,transsexual)** ناآگاهند.

تنها راه حل برای چنین شرایطی, مبارزه ی قدرتمندانه ی تمام زنان ترکیه علیه سیستم محافظه کار,سرمایه دار و مردسالارانه است.

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com

فال من

کریه ترین موجود روی زمین را به زیبایش
میدهم سوگند
که تورا به خدایت بخر فقط یک فال از من
مادری را به جان فرزندش که گرسنه ام
از دنیا فقط می خواهم یک تکه نان وبس
نگاهی خریدار و سمج
مردکی می خرد همه فال ها را یکجا
به همراه صاحب فال و تن
! چه معا مله ای گندیده ایست
!بوی تلخ مرد ! درد من
!صدای سخت شکست من
صبح باز هم با صدای بلند و چشمان پر
اشک
! داد می زنم فال می فروشم فال
حراج کردهام تن

روژین

نفت

پدر آن روز
به جای "نان"
روزنامه در دستش بود
از آن روز
ماییم و یک سفره خالی
با تیتر روزنامه ای:
"نفت را بر سر سفره مردم می آوریم"

خانه همچنان خالی است
و خیال نفت که سیرابم نمیکند
و حتی یخچال را هم روشن نمیکند
که هیچ هایش کپک نزند
و من،
من تنم را برای یک لقمه نان
حراج کرده ام

روژین

قابل توجه خوانندگان عصیان:
نظرات، پیشنهادات وانتقادات خود را در باره عصیان برای ما ارسال کنید.
لطفا مقالاتي که ارسال مي کنید حداکثر ۳۰۰۰ کلمه با فونت ۱۲ باشد.
عصیان در کوتاه نمودن مطالب آزاد است.
لطفا از ارسال مقالاتي که در سایتهاي دیگر منعکس شده اجتناب کنید .
عصیان متعلق به تمام زنان است.

This document was created using SOLIDPDFTools To remove this message, purchase the product at www.SolidDocuments.com